

شمال و جنوب دنیای علم از نگاه شرقی‌ها

فرهنگستان

دانشگاه

پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳ | شماره ۴۲۴۳ | WWW.FDN.IR



متن کامل ارائه نخبگان را در «فرهنگستان» بخوانید

روز نخبگان

۷ چهره علمی در دیدار با رهبر انقلاب ایده‌های خود را برای حل چالش‌های کشور ارائه کردند

دیدار دکتر ولایتی با نماینده ویژه پوتین در امور سوریه



چه خبر از دانشگاه

برگزاری اجلاس معاونان آموزشی و مهارتی در واحد نجف‌آباد

اجلاس معاونان آموزشی و مهارتی دانشگاه آزاد با حضور محمد علی اکبری معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد در واحد جامع مستقل نجف‌آباد آغاز به کار کرد. بررسی عملکرد آموزشی و مهارتی، پیگیری نحوه اجرای رویکردهای علمی جدید دانشگاه و تعیین افق‌های تحولی پیش روی واحدهای دانشگاه آزاد در دستورکار این نشست دوروزه قرار دارد. طرح‌های دستیاب آموزشی و اعضای هیات علمی وابسته، چرخش از آموزش استادمحور به یادگیری معکوس، جایابی دانشکدگان موضوعی، برگزاری کلاس‌های آموزشی ترکیبی-کشوری و... از جمله مهم‌ترین محورهای مورد بحث و تبادل نظر در اجلاس معاونان آموزشی و مهارتی دانشگاه آزاد است.

دانشگاه آزاد و سپاهان تفاهتنامه امضا کردند

تفاهتنامه باشگاه فولاد مبارکه سپاهان و دانشگاه آزاد اصفهان توسط مهدی آذربایجانی مدیرعامل باشگاه سپاهان و پیام نجفی رئیس دانشگاه آزاد اصفهان امضا شد. این تفاهتنامه در دفتر دانشگاه آزاد به امضای طرفین رسید و اجرای طرح‌های تحقیقاتی کاربردی مشترک، همکاری در برگزاری مشترک همایش‌ها و سمینارهای تخصصی ورزشی، فراهم ساختن زمینه اجرای کارورزی و کارآموزی دانشجویان در باشگاه سپاهان از جمله محورهای این تفاهتنامه است. همچنین همکاری مشترک در زمینه زیرساخت‌های ورزشی، دوره‌های تخصصی ورزشی، مدیریت دانش ورزش و پشتوانه سازی آکادمیک فعالیت‌های حوزه باشگاه داری و تشکیل کارگروه‌های تخصصی مشترک در حوزه‌های مختلف علوم ورزشی از دیگر

بخش چهل و یکم

رئیس‌انسان ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

ماجرای نگارش اساسنامه دانشگاه ملی

آن را ببرند و مطالعه کامل کنند و هفته بعد با هر پیشنهادی که دارند بیاورند به تصویب نهایی برسانیم. ضمناً از ترس عدم صدور فرمان و اتخاذ سند عکاسی را گفته بودم آمد و از مراسم اولین جلسه عکسی گرفت که بعداً در صفحه اول اساسنامه چاپ کردیم. هفته بعد جلسه هیأت مومنین در وقت مقرر تشکیل شد و با حضور کلیه اعضا و بحث مفصل اساسنامه را تقریباً بدون اندک تغییری تصویب کردند و بنا شد طبق قوانین مملکتی به ثبت برسانیم. با صرف دو سه هفته وقت و پیگیری شدید و دائم، اساسنامه را از هفت خوان شهرستانی که قبل از اداره ثبت شرکت‌ها باید اجازه بدهد و بعد اداره ثبت شرکت‌ها که هزار و یک ایراد داشت به ثبت رساندم و هزار نسخه آن را به تبع به تاریخ اسفندماه ۱۳۳۸ یعنی تاریخ همان فرمان که هیچ‌گاه صادر نشد برای تمام دبیرستان‌های تهران و دانشکده‌ها و موسسات دانشگاه تهران و هرکس از رجال می‌شناختم یک نسخه آن را با پست فرستادم.

عمارتی است در کنار خیابان پاسستور که طبقه اول آن تعدادی مغازه و دکان است و قسمتی از طبقه دوم آن را شجاع‌الدین شفا برای کمیته تهیه مقدمات جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی مبله کرده بود و شب‌ها مفت خوران و متملقان حرفه‌ای را در آنجا جمع می‌کرد و پول کلانی هم در اختیار داشتند که مقدمات و دکور سیرک یا مسخورتین جشن تاریخ ایران که ۱۰ سال بعد در تخت جمشید نمایش دادند، فراهم کنند. قسمت دیگری از طبقه دوم هم به کلی خالی بود. اطلاع حاصل کردم که محل مذکور ملک دربار است و می‌دانستم پس از انتشار اساسنامه غوغایی برپا خواهد شد و چاره‌ای جز چسباندن خود به دربار نداریم. به علاه گفتم اگر اجازه بدهید دبیرخانه دانشگاه را که در محل استیجاری در خیابان رامسر است به محل مذکور در خیابان پاسستور انتقال دهم. موافقت کرد و گفت شما لازم نیست قسمت خالی عمارت را مبله کنید و روزها از همان قسمت مبله شده که شب‌ها در اختیار جشن‌های ۲۵۰۰ ساله است استفاده کنید. من به همین ترتیب موافقت کردم و بلادرنگ دبیرخانه را از خیابان رامسر به خیابان پاسستور انتقال دادم. ادامه دارد...

از زبان دربار منتشر کرده است. شب هنگام خودم به رادیو گوش دادم و دیدم دربار سنگ تمام گذاشته و اعلامیه جالبی منتشر کرده است. واضح است که با این مقدمات خود را کاملاً فاتح دیدم و بلافاصله پس از تعطیلات نوروز به تهران مراجعت کردم و در اصفهان حس کردم طبقات مختلف مردم به خصوص با علاقه و اعتمادی که به خانواده ما دارند شائق و مایل به تشکیل و شروع کار هرچه زودتر دانشگاه ملی می‌باشند. در تهران بلادرنگ به علاه مراجعه کردم و صدور فرمان موعده را از او خواستم و گفت فرمان نویس داریم که فعلاً در مسافرت است، باید صبر کرد تا او پیدا شود. گفتم خوش نویس فراوان داریم، اجازه دهید به کس دیگری روی هر نوع کاغذی که مرسوم است بخواهید بدهم بنویسند. گفت این کار را منحصرأ فرمان نویس خودمان باید کند و لاغیر. چون حس کردم بهانه جویی می‌کند، گفتم پس اجازه دهید دو تنه‌ام‌ای برای هر یک از اعضای هیأت به شرحی که در پیش نویس فرمان ذکر شده به امضای شما تهیه کنم و آنها را دعوت کنیم بیایند وزارت دربار برای تهیه اساسنامه دانشگاه. با این پیشنهاد موافقت کرد و من هم فوری دو تنه‌ام‌ها را با ذکر اینکه به پیشنهاد من از طرف شاه برای این کار انتخاب شده‌اند تهیه کردم و امضا کرد و تا مرحله رساندن نامه‌ها به دست نامه‌رسان دربار شخصاً نظارت کردم، چون از تعلل علاه در صدور فرمان خیلی ناراحت و ظننم شد. هفته بعد جلسه طبق دعوتی که شده بود در دربار تشکیل شد و مدعین به استثنای وزیر فرهنگ که به علی‌که قبلاً اشاره شد نیامده بود و معاونش یزدانفر را فرستاده بود، همه شخصاً حضور یافتند و پیش نویس اساسنامه را که از ماه‌ها قبل در نسخه‌های متعدد تهیه کرده بودم به آنها دادم.

اساسنامه با مطالعات دقیق لاقفل ۵۰ اساسنامه از دانشگاه‌های ملی آمریکا و اروپا و رعایت قوانین و سنن ایران تهیه شده بود و از این جهت تا حال حاضر هم شاید بهترین اساسنامه برای موسسه باشد لکن مقتضی ندانستم عجله کنم و از مدعین تقاضای تصویب فوری آن را بکنم و پس از یکی دو ساعت شور و شنیدن اظهارات من در موادی که هر یک سوال می‌کردند تقاضا کردم نسخه‌های

سعدی به لب دریا درانه کجا بایی در کام نخبگان روگر می‌طلبی کامی علت مسافرت به اصفهان تهیه پول برای ادامه کار دانشگاه از محل فروش املاک موروثی بود، چون تا آن موقع متجاوز از یک میلیون تومان از محصول کار کردن در آمریکا و اندوخته درآمد‌های ملکی در ایران خرج کار دانشگاه کرده بودم و شغل و حقوقی که نداشتم و اندوخته‌ها هم قریب به تمام بود و به دو علت نمی‌خواستم از شاخص قرض کنم؛ یکی اینکه طبعاً از قرض کردن بدم می‌آید و قرض کردن از دوستان را نوعی اخاذی و مسکمی می‌پندارم و دیگر اینکه فکر می‌کردم به محض اینکه شروع به قرض گرفتن کنم نصایح و اندرزهای حکیمانه ناصحان مشفق و دوستان و آشنایان بی‌حد و حسابی که دارم شروع خواهد شد و تحمل رنج شنیدن اندرزها برای من به مراتب بیشتر از سودی خواهد بود که از قرض گرفتن به دست می‌آید. این خوری من است صحیح یا غلط نمی‌توانم آن را تغییر بدهم و تا آخر عمر هم همین خواهد بود، به خصوص در ایران که اکثریت قریب به اصفهانی فلسفه بافی و تخطئه هر شخص را می‌خورند. این یکی از اصول اولیه سیاست و فرهنگ استعماری است که با تمام وسایل ممکنه به هرکس بخواهد کاری برای اجتماع انجام بدهد ولو هرچه کوچک باشد تلقین کنند که این مملکت هیچ‌گاه چیزی نبوده و در آتیه هم چیزی نخواهد شد و بی‌جهت حال و مال خود را صرف آن نکن که خسران مبین خواهی دید. باری اولین معامله از املاک موروثی را با فروش سهم الارث خودم از قریبه مورکان لنجان اصفهان شروع کردم و بعداً بر حسب احتیاج املاک را فروختم و خرج تاسیس دانشگاه کردم.

در اصفهان روز دوم فوروردین ماه ۱۳۳۹ گفتمند رادیو تهران اعلامیه دربار شاهنشاهی را به وسیله رایزن فرهنگی دربار (شجاع‌الدین شفا) منتشر کرده است مبنی بر اینکه به دکتر شیخ‌الاسلام از طرف شاه ماموریت داده شده که هیأت مومنین دانشگاه ملی ایران را که مورد تقاضای او بوده تشکیل دهد و در این باره فرمانی صادر شد و ضمناً شرحی تعریف و تمجید از سوابق من و خدماتی که شروع کرده‌ام

انا لله و انا الیه راجعون

برادرگرمی جناب آقای اسماعیلی

درگذشت مادر همسر گرمی‌تان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم.

علی اکبر ولایتی

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی سیهر جوان

۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹